



**A comparative study of the nature of sports contracts in
Iranian and English law**

Abdullah Dolah, Mehdi Firouzabadian, Gholamreza Yazdani

Date Received : 26 February 2024

Date Accepted : 02 March 2024

Abstract :

The present research is an attempt to explain the point of view of the legal system of Iran and England regarding a complete and comprehensive review of the nature of sports contracts, which we have addressed in a descriptive and analytical method, and we are trying to answer the question that the nature of sports contracts in Iran and England What is? Pay attention to the fact that by examining the elements of the sports contract and comparing it with other similar contracts, the legal nature of the sports contract can be determined. It seems that in a general summary, the legal nature of sports contracts in Iranian law is one of private contracts, and it is a lease contract for individuals, and by determining this nature, the challenges that existed in similar contracts will not arise in this case; because the private contract has a broad meaning and includes all the matters discussed in the sports contract; Also, although it has limitations, it does not have a negative effect on the sports contract; Rather, it causes its consistency; But in English law, the legal nature of sports contracts is subject to the rules and regulations of the labor law.

Key words: Nature, sports contract, Iranian law, English law



مطالعه تطبیقی ماهیت قراردادهای ورزشی در حقوق ایران و انگلستان

عبداله دولاح^۱، مهدی فیروزآبادیان^۲، غلامرضا یزدانی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۷

چکیده

تحقیق حاضر تلاشی در جهت تبیین دیدگاه سیستم حقوقی ایران و انگلستان در خصوص بررسی ماهیت قراردادهای ورزشی به روش توصیفی تحلیلی است و در صدد پاسخ به این پرسش هستیم که ماهیت قراردادهای ورزشی در ایران و انگلستان چیست؟ با دقت به این موضوع که با بررسی ارکان قرارداد ورزشی و مقایسه آن با سایر عقود مشابه، می‌توان ماهیت حقوقی قرارداد ورزشی را تعیین نمود. به نظر می‌رسد در یک جمع بندی کلی، ماهیت حقوقی قراردادهای ورزشی در حقوق ایران از جمله قراردادهای خصوصی است و عقد اجاره اشخاص است. با تعیین این ماهیت، چالش‌هایی که در عقود مشابه وجود دارد، در این مورد راه پیدا نخواهد کرد؛ زیرا قرارداد خصوصی معنایی گسترده داشته و همه موارد مورد بحث در قرارداد ورزشی را در بر می‌گیرد؛ همچنین با اینکه محدودیت‌هایی دارد اما تأثیر منفی بر قرارداد ورزشی نمی‌گذارد؛ بلکه باعث قوام آن می‌شود؛ اما در حقوق انگلیس، ماهیت حقوقی قراردادهای ورزشی تابع قواعد و مقررات قانون کار می‌باشد.

واژگان کلیدی: ماهیت، قرارداد ورزشی، حقوق ایران، حقوق انگلستان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران.

a_doulah@yahoo.com

۲- استادیار، گروه حقوق، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران (نویسنده مسئول)

Mahdi.Firoozabadian.iau.ac.ir

۳- استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد مقدس، ایران

ygholamreza1@gmail.com

مقدمه

برای فعالیت در یک تیم و شرکت در مسابقات، بازیکنان حرفه ای باید با این تیم قرارداد امضا کنند؛ که در آن بازیکن تعهدات ویژه ای در قبال تیم و بالعکس می پذیرد. امروزه همه افراد موضوع حقوق ورزش به سبب مسئولیت هایی که در برابر هم دارند، قرارداد با باشگاه های ورزشی انعقاد می نمایند. لازم به ذکر است که در حقوق ایران حتی در حقوق مدنی اشاره ای به قراردادهای ورزشی نشده است. قرارداد ورزشی مانند کلیه قراردادهایی که منعقد می شود؛ باید دارای شرایط عمومی مطابق ماده ۱۹۰ قانون مدنی باشد؛ یکی از شرایط اختصاصی آن چنین است که باید طبق مقررات رسمی منعقد شود. قراردادهای ورزشی در کمیته های ورزشی مناطق ثبت می شود. قراردادهای چاپ می شوند و خود قرارداد دارای مواردی مانند نام طرفین، موضوع تعهد، مبلغ قرارداد، شرایط مندرج در قرارداد و حتی حق فسخ در صورت شرایط خاص برای طرفین است. البته از آنجایی که این نوع قرارداد چاپ می شود، به نوعی محدود کننده نیز می باشد.

پرسشی که در اکثر مواقع طرح می گردد؛ این است که آیا تعهد مریبان و ورزشکاران، موضوع حقوق ورزش، تعهد به نتیجه یا تعهد بوسیله است؟ در جواب باید بیان نمود؛ مریبان و بازیکنان متعهد می شوند در قراردادهایی که دارند همه کوشش خود را برای دستیابی به هدف مشترک انجام دهند و همه تعهدات و وظایف محوله خود را به بهترین شکل به انتها برسانند. از این جهت می توان گفت: تعهدات آنها تعهد بوسیله می باشد. بنابراین از دو جنبه می توان قراردادهای ورزشی را بررسی نمود. یکی این که قرارداد را قرارداد اجاره اشخاص دانسته و طبق آن منعقد شود. در اجاره اشخاص طرفی که اجاره می کند مستاجر و طرفی که مورد اجاره قرار می گیرد اجیر و مال الاجاره اجرت نامیده می شود. جنبه بعدی این که این قرارداد وجه استخدامی داشته و یک قرارداد کار است. در این حالت کارگر یا خادم نمی تواند اجیر شود مگر جهت انجام دادن کار معینی یا برای مدت معین. برای مشخص شدن مسئولیت، قرارداد را از این دو منظر بررسی خواهیم کرد^۱. مسلماً نیاز به یادآوری است که در حال حاضر این قراردادها طبق آیین نامه های موجود و شکل عقود غیر معین و طبق آزادی قراردادی انعقاد می یابند. در قرارداد ورزشکار با باشگاه هم همه فاکتورهای عقد اجاره وجود دارد. مدیر باشگاه مستاجری است که در برابر پول، بازیکن را اجیر می کند؛ تا تمرین و بازی برای او انجام دهد. یک نوع اجاره انسان است. این قرارداد که بر اساس منفعت ورزشکار در مقابل عقد اجاره به شکل مال در ملکیت مستاجر در می آید و نباید اجیر عملی که منافات با تعهداتش دارد را انجام دهد. برای مثال یک بازیکن همزمان نمی تواند قرارداد با دو باشگاه داشته باشد. دو حالت در موردی که اگر اجیر در مدت قرارداد منافع مستاجر را رعایت نکند پیش

می آید: حالت اول زمانی است که اجیر در هنگام اجاره کار را برای خود انجام دهد که به واسطه این مستاجر حق فسخ عقد را داشته و می تواند اجرت المسمی که پرداخت نموده را مسترد نماید، چون تعهدات اجیر انجام نشده و در فرضی که مستاجر اجاره را فسخ نماید می تواند از اجیر اجرت المثل منافع تفویت شده را بخواهد، زیرا منافع خاص اجیر که اتلاف شده، مالک آن مستاجر بوده است. حالت دوم موقعی است که تبرعاً اجیر برای شخص دیگری کار می کند و به تعهداتش پایبند نبوده؛ در این حالت هم مستاجر می تواند قرارداد را فسخ و اجرت المثل منافع تفویت شده را بگیرد مگر اینکه اجیر مغرور شده باشد. در این حالت سبب اقوی از مباشر شخصی است که او را مغرور نموده و باید اجرت المثل منافع تفویت شده را پرداخت نماید^۱. در نهایت می توان بیان نمود: قرارداد ورزشی می تواند رابطه استیجاری میان بازیکن به شکل اجیر خاص و باشگاه به شکل مستاجر باشد. طبق این قرارداد بازیکن اجیر می شود؛ تا عمل معینی را شخصاً در زمان مشخصی انجام دهد و مباشرت بازیکن و انجام فعل ذکر شده در زمان مشخص را می توان به شکل شرط ضمن عقد نیز آورد.^۲

بسیاری از قراردادهای ورزشی ماهیت قانونی دارند، مشابه قانون کار! و ورزشکاری که با یک سازمان برای مدت معین قرارداد می بندد؛ ممکن است کارمند باشد. بنابراین فوتبالیستی که با باشگاهی قرارداد می بندد و خود را متعهد به باشگاه کند، کارگر محسوب می شود.^۳ لازم به ذکر است که این یک نظریه است و گروهی بر این باورند که ارتباط ورزشکاران و سایر اشخاص موضوع حقوق ورزش با سازمان ها و باشگاه های ورزشی یک ارتباط کارگر و کارفرمایی است و برخی دیگر این رابطه را طبق عقد اجاره اشخاص برآورد می کنند. در نتیجه مسئولیت وقتی تشکیل می شود که میان طرفین، قرارداد موجود باشد و اگر هر یک از آنها در صورت نقض قرارداد و عدم اجرای مفاد قرارداد ملزم به جبران خسارتی باشد که وارد کرده اند. و نیز می توان گفت که قراردادهای ورزشی از هر دو جنبه یعنی هم عقد اجاره اشخاص و نیز قرارداد کار قابل بررسی و مشاهده می باشند.^۴

۲- ماهیت قرارداد ورزشی در ایران

اصل حاکمیت اراده یک اصل مهم فلسفی است که قرن ها توسط فقها مورد مطالعه قرار گرفته است و اساس تئوری تحقق بوده است. اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادها امروز نیز اهمیت خود را از دست نمی دهد. با این حال ارزش آن با تأثیر عقاید اجتماعی کاهش می یابد. قرارداد و تعدیل شرایط اساساً رایگان است. اما هر زمان که مصلحت

۱- انیسی، محمد علی، مسئولیت مدنی و حقوق ورزشی، چاپ اول، تهران، انتشارات جاودانه جنگل، ۱۳۹۴، ص ۳۴.
 ۲- یوسفی صادقلو، نصر، رجبی، الهام، مسئولیت مدنی در حقوق ورزشی، انتشارات دادگستری تهران، ۱۴۰۰، ص ۹۴.
 ۳- شعبانی مقدم، کیوان، مبانی حقوق ورزشی، انتشارات نشر دانش، چاپ دوم، ۱۳۹۸، ص ۷۵.
 ۴- انیسی، محمد علی، مسئولیت مدنی و حقوق ورزشی، انتشارات جنگل، ۱۳۹۴، ص ۱۳۷.

جامعه خواستار شود، دولت مداخله خواهد کرد و طرفین آزادی طرفین را برای ارائه منافع اجتماعی و رعایت اصول عدالت محدود می کنند. قوانین مربوط به نظم عمومی، محدود کردن اصل حاکمیت و آزادی هاست^۱

در مورد آزادی قراردادهای اصل حاکمیت اراده ماده ۱۰ ق.م حاوی اصل «آزادی قراردادی» است و نیز دامنه حاکمیت اراده را گسترش می دهد و آن را از چارچوب عقود معین خارج می کند^۲ (کاتوزیان، ۱۴۰۰، ص ۳۱). بر اساس این آزادی، مردم می توانند از روابط پیمانکاری خود همانطور که می خواهند استفاده کنند، و آنها موظف نیستند از الگوها و نمونه هایی که به آنها داده می شود استفاده کنند، یا توافق های خود را از نظر شرایط قرار دهند. البته طرفین نمی توانند در برابر قوانین نظم عمومی با یکدیگر موافق باشند. اما نظم عمومی که اصل قانون اراده را محدود می کند، استثنایی است و مطابق با قانونی که لیبرال ها اعلام کرده اند می توان گفت: «هر آنچه ممنوع نباشد، مجاز است»^۳ بنابراین با توجه به توضیحات فوق می توان گفت که ماهیت حقوقی قرارداد ورزشی تابع قرارداد خصوصی است و با تعیین این ماهیت، چالش هایی که در عقود مشابه وجود داشت، در این مورد راه پیدا نخواهد کرد؛ زیرا قرارداد خصوصی معنایی گسترده داشته و همه موارد مورد بحث در قرارداد ورزشی را در بر می گیرد؛ همچنین با اینکه محدودیت هایی دارد (نظیر: عدم مخالفت آنها با نظم عمومی و اخلاق حسنه) اما تأثیر منفی بر قرارداد ورزشی نمی گذارد؛ بلکه باعث قوام آن می شود.

به لحاظ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... اهمیت ورزش باعث شده تربیت بدنی و ورزش به سرعت در راه تحول و پیشرفت قدم بردارد و رفته رفته بیشتر جلوه علمی به خود بگیرد. با درک این اهمیت توسط حقوقدانان باعث تشکیل رشته «حقوق ورزشی» در کنار دیگر علوم موجود در ورزش، سبب توسعه قلمرو عام حقوق شده و مقررات آن را در ورزش عملی می نمایند و از این منظر تلاش در تنظیم روابط فعالان ورزش دارند.^۴ در حال حاضر حقوق ورزشی از مرتبه بالایی برخوردار است و بیشتر موضوعات و موارد مربوط به ورزش را می توان در نظر گرفت که توسط حقوقدانان مورد نقد و بررسی و مطالعه قرار گرفته اند؛ با وجود این در ایران ارتباط شایسته ای هنوز میان حقوق و ورزش برقرار نشده است. حقوق ورزشی موضوعات و موارد گوناگونی را شامل می شود.؛ موضوع «قرارداد ورزشی» یکی از مهمترین مسائل و موضوعاتی هستند که در حقوق ورزشی می تواند آنها را بررسی نمود، به این دلیل که: قرارداد ورزشی اساسی ترین و اصلی ترین رکن ورزش حرفه ای می باشد، چون که تا هنگامی که قرارداد انعقاد نیابد و ارتباطی بین فعالان ورزشی برقرار نگردد، هیچ مسابقه ای صورت نمی گیرد و اکثر موارد

۱- صفائی، حسین، قواعد عمومی قراردادها، جلد دوم، نشر میزان، چاپ سی و هفتم، ۱۴۰۱، صص ۴۶ و ۵۵.

۲- کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی: اعمال حقوقی قرارداد، انقاع، انتشارات گنج دانش، چاپ هشتم ۱۴۰۰، ص ۳۱

۳- صفائی، حسین، قواعد عمومی قراردادها، جلد دوم، نشر میزان، چاپ سی و هفتم، ۱۴۰۱، صص ۴۷ و ۴۸

۴- کمالی، سعیده، بررسی ماهیت و موانع و مزایای ثبت قراردادهای ورزشی به صورت رسمی و عادی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد قزوین ۱۳۹۵، ص ۲۶.

طرح شده در حقوق ورزشی موضوعیت نمی یابند.^۱

هر چند هنوز تعریف خاصی در مورد قرارداد ورزشی مشاهده نشده است، ولی با دقت به آیین نامه ها و مقررات فدراسیون ورزشی و قرارداد اشخاصی که فعالیت در مقابل تهیه مقدمات و انجام مسابقه می کنند و نیز با دقت به عرف ورزشی و بعضی از متونی که در چارچوب قراردادهای ورزشی نوشته شده است؛ می توان تا حدودی پی به تعریف قرارداد ورزشی برد و در تعریف آن بیان نمود که: «عقدی است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم موضوع آن به امور ورزشی مرتبط می شود، چه اینکه موضوع قرارداد مستقیماً انجام فعالیت ورزشی باشد یا از قبیل اموری باشد که اجتناب ناپذیر باشد در جهت انجام فعالیت های ورزشی است».

قرارداد بازیکنان با باشگاه ها را می توان به عنوان تنها قرارداد ورزشی نام برد که موضوع آن به صورت مستقیم انجام فعالیت ورزشی می باشد. ولی اگر موضوع قرارداد ورزشی از مواردی باشد که جهت برگزاری مسابقه اجتناب ناپذیر است؛ دارای مصداق های متنوع و متعددی می باشد. به این جهت است که به راحتی و با اطمینان می توان گفت که قرارداد بازیکنان با باشگاهها اصلی ترین و اساسی ترین قرارداد ورزشی است.^۲

با بررسی ارکان قرارداد ورزشی و مقایسه آن با سایر عقود مشابه، می توان ماهیت حقوقی قرارداد ورزشی را تعیین نمود. قرارداد ورزشی طرفین قرارداد را بازیکن و باشگاه می داند و تعهد بازیکن به انجام توانایی و تکنیک، مهارت، نیروی بدنی و ذهنی در تمرینات و مسابقات است و باشگاه نیز تعهد به واریز دستمزد برای موضوع قرارداد منعقد شده دارد. عقود مشابهی که با قرارداد ورزشی قابلیت مقایسه دارند، می توان به ارکان عقود سبق و رمایه و اجاره انسان اشاره نمود که به ترتیب عبارتست از: افرادی که در مسابقه شرکت می نمایند و برگزاری مسابقه در رشته های ورزشی مشخص در مقابل دریافت جایزه و نیز در اجاره انسان؛ اجیر و مستاجر بعنوان دو طرف قرارداد می باشند و همچنین تعهد مستاجر به پرداخت اجرت برای موضوع قرارداد در مقابل انجام کار اجیر که تعهد اوست؛ می باشد. با مقایسه این عقود می توان این چنین نتیجه گرفت که قرارداد ورزشی از مصدق قرارداد اجاره انسان است. با دقت به اینکه قسمت های بسیاری از قراردادهای اجاره انسان در برگیرنده قانون کار شده است، معیار شناسایی اجیر از کارگر، یعنی تبعیت حقوقی میان کارگر و کارفرما در ارتباط بازیکنان با باشگاه وجود دارد.^۳

در مورد اجاره اشخاص (انسان) مواد خاصی را قانون مدنی به صورت اجمالی ذکر نموده است. برابر ماده ۵۱۲ ق.م : «در اجاره اشخاص کسی که اجاره میکند مستاجر و کسی

۱- رضوی، سید محمدحسین، تحلیل سیاست خصوصی سازی در ورزش با تاکید بر ورزش قهرمانی، رساله دکترای مدیریت و برنامه ریزی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران، ۱۳۸۳، ص ۳۲.

۲- روبین آگوستا هرناندز، مدیریت سازمان های ورزشی، ترجمه علیرضا الهی و اسفندیار خسروی زاده، تهران، انتشارات بامداد کتاب، چاپ سوم، ۱۳۹۸، ص ۲۵.

۳- الهی، علیرضا، گودرزی، محمود؛ خبیری، محمد، بررسی عملکرد سازمان لیگ حرفه ای فوتبال جمهوری اسلامی ایران و مقایسه آن با سازمان لیگ حرفه ای فوتبال ژاپن، نشریه حرکت، شماره ۲۷، سال ۱۳۸۵، ص ۳۷.

که مورد اجاره واقع میشود اجیر و مال الاجاره اجرت نامیده میشود.» و در ماده ۵۱۳ ق.م: «اقسام عمده اجاره اشخاص از قرار ذیل است:

۱- اجاره خدمه و کارگران از هر قبیل ۲- اجاره متصدیان حمل و نقل اشخاص» .

۱-۲- قرارداد اجاره اشخاص

قرارداد «اجاره انسان» از عقود معینی است که از نظر ساختار شباهتی با قرارداد ورزشی پیدا می کند. منظور از عقد اجاره اشخاص: «عقدی است معوض که به موجب آن شخص در برابر اجرت معین ملتزم می شود کاری را انجام دهد»^۱. قانون مدنی نیز در ماده ۵۱۲ درصدد ذکر موضوع و طرفین این قرارداد برآمده و می توان ارکان قرارداد اجاره اشخاص را بدین ترتیب ذکر نمود: طرفین قرارداد؛ شامل: اجیر و مستاجر می باشد همچنین موضوع قرارداد؛ شامل: انجام کار و اجرت است که در اینجا به بررسی آن پرداخته خواهد شد.

الف: طرفین قرارداد

۱- اجیر

اجیر شخصی است که به سبب قرارداد ملزم به انجام کار مشخصی برای طرف مقابل بوده یا اختصاص منفعت معین یا همه منافع خود را به مستاجر دهد.^۲ به واسطه این تعریف اشخاص بسیاری با مشاغل گوناگون؛ می توانند طرف قرارداد اجاره انسان واقع شوند؛ مانند: مولفین، فیلمبرداران، پزشکان، هنرمندان و... در نگارش قانون مدنی با دقت به وضعیت و شرایط اجتماعی و اقتصادی در هنگام وضع قانون مدنی بیشتر اشخاصی را که در قرارداد اجاره اشخاص بعنوان اجیر هستند، بیان نموده است؛ این گروه عبارتند از: کارگران، خدمه و متصدیان حمل و نقل و مال التجاره، چه از راه هوایی، خشکی یا آبی.^۳

۲- مستاجر

کارفرما یا مستاجر طرف بعدی قرارداد اجاره انسان است که از منافع و خدمت اجیر استفاده می نماید. پرداخت دستمزد اصلی ترین و مهمترین تعهد و وظیفه مستاجر در برابر اجیر می باشد. شخصی حقوقی یا حقیقی ممکن است؛ مستاجر در عقد اجاره

۱- کمالی، سعیده، بررسی ماهیت و موانع و مزایای ثبت قراردادهای ورزشی به صورت رسمی و عادی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد قزوین ۱۳۹۵، ص ۳۲.

۲- پیشین ص ۳۳.

۳- ماده ۵۱۳ قانون مدنی.

ب- موضوع قرارداد اجاره: اجیر تعهد می کند در قرارداد اجاره همه منافع خود یا منفعت به خصوصی را در اختیار مستاجر قرار دهد، یا عمل به کار مشخصی را به عهده بگیرد. در عوض پرداخت اجرت به اجیر تکلیف و تعهد مستاجر است. عوض یا اجرت، منفعت مالی است که مستاجر در مقابل استفاده و بهره بردن از منافع یا منفعت اجیر به او پرداخت می نماید. موضوع قرارداد در برگیرنده تعهد مستاجر و تعهد اجیر می باشد که به این موارد در زیر می پردازیم.

۱- انجام کار (تعهد اجیر): تعهد اجیر شامل در اختیار قرار دادن همه منافع یا منفعت به خصوصی برای مستاجر یا عمل به کار مشخصی را عهده دار نماید.^۲

۲- اجرت (تعهد مستاجر): اصلی ترین تعهد و وظیفه مستاجر؛ پرداخت اجرت به اجیر است. دستمزد یا عوض منافع، مالی است که: مستاجر در مقابل استفاده از منافع یا منفعت اجیر به او پرداخت می نماید. در اجاره حیوانات و اشیاء، اجرت که از ارکان قرارداد اجاره انسان است، به مال الاجاره تعبیر می یابد.

۳ - مقایسه قرارداد ورزشی با قرارداد اجاره انسان

از مقایسه عقد اجاره انسان و قرارداد ورزشی؛ موارد مشترک و مختلفی حاصل می گردد که به آنها اشاره می گردد:

الف: نقاط و موارد اشتراک: از لحاظ ارکان، قرارداد اجاره اشخاص و قرارداد ورزشی، می توان اشاره نمود که دو طرف قرارداد، که در قرارداد ورزشی بازیکن و باشگاه و در قرارداد اجاره اشخاص اجیر و مستاجر گفته می شوند و موضوع قرارداد، که در قرارداد ورزشی، استفاده بازیکن از توانایی و مهارت، تکنیک و قدرت بدنی و ذهنی، در تمرینات و برگزاری مسابقات در مقابل واریز دستمزد و در قرارداد اجاره اشخاص به انجام عمل مشخص یا استفاده از منفعت یا منافع مشخص اجیر و پرداخت حقوق است.

شرایط اساسی صحت معاملات را هر دو قرارداد باید طبق ماده ۱۲۱ ق.م داشته باشند، از قبیل رضایت و قصد دو طرف، اهلیت متعاقدين، مشروعیت جهت و معین بودن موضوع قرارداد، مباح بودن منفعت مورد اجاره یکی از شرایط صحت قرارداد اجاره است؛ لذا حرام بودن اجرت مستلزم حرمت و بطلان عقد اجاره است، چون در این مورد نهی به عینی تعلق گرفته است که صلاحیت انتقال و انتفاع را ندارد. از طرفی امر حلال هدف

۱- خبیری، محمد؛ الهی، علیرضا، مقایسه وضعیت باشگاه های لیگ حرفه ای فوتبال جمهوری اسلامی ایران با توجه به معیارهای یوفا و باشگاه های منتخب ژاپن، کره جنوبی، امارات و ترکیه». نشریه پژوهش در علوم ورزشی، ۱۳۸۴ شماره ۸ ص ۴۳.

۲- الهی، علیرضا؛ گودرزی، محمود؛ خبیری، محمد، ۱۳۸۵، بررسی عملکرد سازمان لیگ حرفه ای فوتبال جمهوری اسلامی ایران و مقایسه آن با سازمان لیگ حرفه ای فوتبال ژاپن، نشریه حرکت، شماره ۲۷

از این انتفاع نیست، بر این اساس صلاحیت ندارد که قابل اجرت قرار گیرد و انتقال از مالکش نمی یابد.^۱ موضوع قرارداد هم در انتقال بازیکن حرفه ای باید امر مباح شرعی باشد، شرکت در ورزشهایی که بر اساس موازین اسلامی حرام و منع دانسته شده است، به طور قطع قرارداد در مورد آنها باطل خواهد بود.

در قرارداد انتقال بازیکن، موضوع قرارداد شامل استفاده نمودن از توانایی و تکنیک، مهارت، قدرت بدنی و ذهنی بازیکن در تمرینات و انجام مسابقات در مقابل پرداخت دستمزد مشخص است، در قرارداد اجاره انسان، موضوع قرارداد استفاده بردن از منفعت یا منافع مشخص اجیر و پرداخت دستمزد به اوست. با این توصیف در هر دو قرارداد یکی از متعاقدين فعل و عملی را برای طرف در برابر دریافت دستمزد انجام می دهد و انجام عمل به وسیله انسان موضوع قرارداد است. در حقیقت فعالیت و نیروی کار انسان در اختیار یک طرف قرارداد قرار می گیرد. بر این اساس بهره گیری از منفعت اجیر و بازیکن موضوع قرارداد اجاره و قرارداد ورزشی است.

هر دو قرارداد را می توان در زمره عقود معوض نام برد. ماده ۱۱۲ ق. م از ارکان عقد اجاره اشخاص را مشخص نمودن اجرت برشمرده است. به بیان دیگر اجرت یا عوض قراردادی، در مقابل فعالیت اجیرپرداخت می شود. در قرارداد انتقال بازیکن هم حق الزحمه در مقابل فعالیت بازیکن پرداخت می شود. همچنین در این قرارداد مشخص نمودن دستمزد بازیکن چه به صورت از نقدی و چه غیر نقدی ملاک بوده و در همه فرم های قرارداد باشگاه با بازیکن مبلغ قرارداد، یکی از مواردی است که باید توافق شود.

قراردادهای نقل و انتقال حرفه ای و اجاره انسان بخشی از یک قرارداد موقت هستند. موقت به این معنی است که تعهدات قرارداد باید در مدت زمان مشخصی انجام شود. با توجه به ماده ۱۱۴ م. «کارگر یا خادم نمی تواند اجیر شود مگر برای زمان مشخص یا جهت انجام فعل معینی» در رابطه با قرارداد انتقال بازیکن حرفه ای، مقرراتی وجود دارد که مدت قرارداد را محدود می کند. قرارداد با تعیین تاریخ شروع و پایان حداکثر و حداقل دوره، به وسیله قراردادها با مقررات الزامی تعریف می شوند.

دو نوع ملاحظات و مقررات در مورد اجاره انسان وجود دارد. اجیر عام و اجیر خاص؛ همچنین دو نوع اجیر خاص موجود است: ۱. شخصی خود رابه گونه ای اجاره می دهد که همه منفعت او در مدت مشخص متعلق به مستاجر باشد، و یا آنکه منافع خاصی را در زمان مشخص متعلق به مستاجر باشد. با توجه به قرارداد مزبور وفق ماده ۴۶۶ ق.م. در فرض اول مستاجر مالک همه منافع عین مستاجر می گردد و در فرض دوم برای مدت مشخصی مالک منفعت خاص می شود. با توجه به این دو معیار، منافع یا منفعت خاصی

۱- و تحریم الأجر مستلزم لتحریم العقد و بطلانه، لأن الظاهر رجوع التحريم و النهی الى العین بمعنى عدم صلاحيتها للانتفاع و الانتقال، إذ من المعلوم أن الغرض أن هذا الانتفاع غیر محلل فلا یصلح للاجرة و لا ینتقل عن مالک، مضافاً الى فهم الاصحاب حیث عبروا بعدم الصحة و عدم الاعتقاد و الاستقراء الموجب لذلك و لو علی سبیل المظننه بغلبه ذکر حرمة الأجرة فی بیان بطلان المعاملة بل الخبر یدل علی اکثر من ذلك و هو اجارته لا لذلك بل ممن یعلم أنه ینبعه فیه، فتأمل. (حسینی عاملی، سید محمد جواد، مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامه، بیروت، دار التراث، کتاب الاجاره، ج ۱۱، ص ۱۱۶)

از مورد اجاره در نتیجه عقد اجاره ملک مستاجر می شود و اجیر نمی تواند فعلی را که با آن منافات دارد برای خود یا دیگران انجام دهد، اما اگر عملی که منافات با منافع یا منفعت خاص مورد اجاره نداشته باشد انجام دهد؛ بلامانع است.^۲ در حالی که شخصی اجیر شود و شخصاً فعل مشخصی را در زمان معلومی انجام دهد، و یا آن که برای انجام عمل مشخصی اجیر شود و مباشرت خود و یا انجام عمل مزبور در زمان مشخصی یکی به طور قید و بعدی به صورت شرط و یا هر دو به شکل شرط ضمن عقد قرار داده شود، مستاجر برای مدت معینی مالک منفعت اجیر نمی شود، چون انجام عمل را اجیر تعهد نموده است، به طوری که در صورت اول انجام فعل با قید مباشرت در زمان مشخص، مورد تعهد است و در صورت دوم عمل مطلق، مورد تعهد می باشد ولی مباشرت و یا انجام آن در مدت معین یکی به نحو قید و دیگری به نحو شرط و یا هر دو آنها به صورت شرط ضمن عقد اجاره قرار داده شده است. اجیر عام کسی است که تعهد به انجام عملی به عنوان اجاره می نماید. اجیر عام می تواند انجام فعل مورد تعهد را خود و یا آن را به شخص ثالث از طرف او واگذار کند، چون مقصود مستاجر از قرارداد اجاره انجام فعل مشخص می باشد و هر کسی می تواند آن را انجام دهد و خصوصیت اجیر مدنظر او نیست.^۱ با دقت به مطالب بالا می توان نتیجه گرفت که از لحاظ ماهوی بازیکن حرفه ای مثل اجیر خاص است که همه منافع خود را در زمان مشخص به باشگاه واگذار می کند. به همین دلیل، قرارداد انتقال بازیکن حرفه ای مشابه قرارداد اجاره اجیر خاص است. ب: نقاط افتراق از لحاظ مقررات و قوانین حاکم: آیین نامه های مصوب فدراسیون های ورزشی، اکثر مقررات حاکم بر قرارداد ورزشی هستند، در صورتی که، قوانین عادی، قوانین حاکم بر عقد اجاره انسان می باشند.

تفاوت اصلی بین قرارداد انتقال بازیکن حرفه ای و قرارداد اجاره اشخاص در این است که قرارداد اجاره عقد تملیکی است که به سبب آن اثر عقد تملیک منافع (عمل اجیر/ اموال) در زمان مشخص در برابر عوض معلوم است، به شکلی که بعد از وقوع اجاره مستاجر مالک منافع اجیر در زمان مشخص و در عوض اجیر مالک اجرت معلوم که به

۱- اجیر خاص را چنین تعریف کرده است: «الاجیر الخاص و هو من أجر نفسه علی وجه یکون جمیع منافع للمستاجر فی مدّة معینة او علی وجه تكون منفعته الخاصة کالخیاطة مثلاً له، او أجر نفسه لعمیل مباشرة مدّة معینة او کان اعتبار المباشرة او کونها فی تلك المدّة او کلّهما علی وجه الشرطیة لا القیدیة، لا یجوز له ان یعمل فی تلك المدّة لنفسه اولغیره بالاجارة او الجعالة او التبرع عملاً ینافی حق المستاجر الا باذنه(طباطبایی یزدی، محمد کاظم، العروة الوثقی، جلد دوم، تهران، انتشارات علی بن ابی طالب، چاپ سوم، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۵۱۲)

عهدہ مستاجر می باشد و به پیروی از متعهد به انجام فعل مورد اجاره است.^۱ ولی قرارداد انتقال بازیکن حرفه ای از نظر مقررات بین المللی قرارداد عهده ای و صرفاً اثر قرارداد به وجود آمدن تعهد جهت باشگاه و بازیکن است. هرچند عده ای از حقوقدانان تمایزی میان قرارداد تملیکی و عهده قائل نیسیتند و بر این باوراند که نظریه تملیک از فقه اهل سنت، وارد فقه امامیه شده است مانند یکی از تعهدات عقد اجاره که تملیک منافع نام گرفته است. آبه نظر می می رسد این عقیده نزدیکتر به واقعیت است. از این لحاظ اگر قرارداد اجاره اجیر خاصاً را قرارداد عهده بدانیم، شباهت قرارداد انتقال بازیکن حرفه ای به این قرارداد بیشتر است.

تفاوت بعدی بین قرارداد انتقال بازیکن و قرارداد اجاره اشخاص این است که بیشتر مقررات مربوط به قراردادهای ورزشی امری است؛ چه اینکه اغلب این مقررات از طرف فدراسیون های ورزشی مشخص شده و متعاقدين قرارداد فقط می توانند خود را در چارچوب این مقررات از قبل معین شده قرار داده تا بر توافق آنها اثر حقوقی مقرر گردد. این مقررات شاهد بر چگونگی تنظیم قرارداد در فرم مخصوص، مشخص نمودن حداکثر و حداقل زمان قرارداد، ثبت قرارداد در سازمان لیگ و هیات های ورزشی، لحظه انعقاد قرارداد و غیره می باشد. متعاقدين قرارداد نمی توانند بر خلاف این مقررات توافق نمایند. در حالی که مقررات حاکم بر اجاره تکمیلی است و متعاقدين بر خلاف آنها می توانند توافق کنند. با موافقت میان مستاجر و اجیر قرارداد منعقد شده و دو طرف در چارچوب توافق انجام شده قراردادی الزام به انجام آن دارند.

اگر قرارداد اجاره شخص را اجیر عام بدانیم، قرارداد منوط به مباشرت اجیر نیست، بر این اساس تعهد را می تواند توسط شخص دیگری انجام دهد. ولی در قرارداد ورزشی تعهدات بازیکن بر پایه شخص استوار است و باشگاه با در نظر گرفتن شرایط و مهارت ها و توانایی های بازیکن مبادرت به انعقاد قرارداد با او می کند پس اجرای تعهد بازیکن را نمی توان واگذار به شخص دیگری نمود.

اجاره انسان در شمار عقود رضایی است که با موافقت مستاجر و اجیر منعقد می شود، در صورتی که قرارداد انتقال بازیکن حرفه ای از جمله قراردادهای تشریفاتی است، قرارداد بازیکن با باشگاه باید مطابق مقررات نقل و انتقال بازیکن در هیات فوتبال استان و سازمان لیگ به ثبت برسد. بر همین اساس بازی نمودن بازیکن در تیم باشگاهی منوط

۱- شهید اول به تبعیت از مشهور فقهاء در تعریف عقد اجاره میفرماید: هی العقد علی تملک المنفعه المعلومه عوض معلوم. اللعنه اللدمشقیه، جلد دوم، عقد الاجاره، به همین علت است که فقهاء در مبحث ضمان معتقدند اگر شخصی اجیر دیگری شود و شخص دیگری او را حبس کند، غاصب ضمان منفعت فوت شده نسبت به مستاجر است (اذا منع حرّاً عن عمله لم یضمن الا اذا كان اجیراً خاصاً لغيره لمن استأجره منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۱۴۶) زیرا منافع اجیر در مدت معین ملک مستاجر شده است، و مستاجر میتواند منفعت غضب شده را از غاصب مطالبه کند. از طرف دیگر شهید ثانی نسبت به تملیکی بودن قرارداد اجاره اجیر (کارگر) تردید کرده است. عبارت ایشان چنین است: بنی بعضهم الحكم علی أنّ الاجاره الحرّ نفسه هل هی تملیک المنافع او التزام عمل؟ (شهیدثانی، مسالک الافهام، ج ۲، ص ۲۶۵).

۲- جعفری جعفری لنگرودی، محمد جعفر، فلسفه حقوق مدنی، انتشارات مدنی، ۱۳۹۸ چاپ سوم ص ۲۰۴.

بر صدور گواهی بین المللی بازی^۱ است و در صورت نبودن این گواهی بازیکن نمی تواند بازی انجام دهد.

در اجاره اشخاص در حالی که شخصی جهت انجام فعلی اجیر شود و شرط مباشرت نشده باشد هر چند مدت تعیین شده باشد و یا مدت معین نباشد با آنکه شرط مباشرت شده باشد، در این حالت اجیر می تواند پیش از انجام فعلی که برای آن اجاره شده است، اجیر دیگری شود، چون که این فعل مغایرتی با تعهد اجیر ندارد. به این دلیل که تصور بر آن است که تعیین مدت یا شرط مباشرت نشده است.^۲ ولی در قرارداد انتقال بازیکن ، بازیکنی که با باشگاه قرارداد امضاء می کند مجاز به انجام بازی برای سایر باشگاه ها نیست. از این نظر شبیه به اجیر خاصی است که اجیر شخص دیگری نمی تواند شود.^۳ در مورد مالکیت منافع و اجرت به وسیله مستاجر و موجر؛ در اجاره اشخاص مستاجر بر اساس قرارداد اجاره مالک منافع اجیر می شود به همان ترتیب که اجیر بر طبق قرارداد اجاره مالک اجرت می شود، ولی مالکیت اجیر به شکل غیرمستقر است که با استیفاء از منافع اجیر پا برجا خواهد شد ولی در قرارداد انتقال بازیکن اجرت نقدی بازیکن به دو شکل مشخص می گردد، بخشی از اجرت قطعی است که به محض امضای قرارداد بازیکن مالک آن می شود و قسمتی هم امکان دارد در حالت پیدایش شرایطی بازیکن استحقاق به آن یابد. از این رو تفاوت میان ملکیت اجرت در اجاره اشخاص با قرارداد انتقال بازیکن وجود دارد.

در حالتی که شخصی جهت انجام کار در زمان مشخصی برای فرد معینی اجیر شده باشد، بعد از آن جهت انجام کاری در همان روز برای دیگری اجیر گردد، اجاره دوم در این حالت صحیح نیست (باطل است) و اگر پیش از فرا رسیدن روز معین، به جهت خیار یا اقاله، اجاره اول را فسخ کند، در این حالت اجاره دوم صحیح نمی شود ولی در قرارداد انتقال بازیکن در حالی که بازیکن با باشگاهی قرارداد دارد، می تواند با باشگاه دیگری قرارداد منعقد نماید، لکن طبق قوانین این کار او سبب ورود خسارت قراردادی به باشگاه اول و محرومیت ورزشی جهت بازیکن خواهد شد، ولی قرارداد دوم دارای اعتبار است.

۱- ITC

۲- اذا أجر نفسه لعمل غير اعتبار المباشرة و لو مع تعيين المدة او من غير تعيين المدة و لو مع اعتبار المباشرة، جاز عمله للغير و لو على وجه الاجارة قبل اتيان العمل بالمستاجر عليه، لعدم منافاته له من حيث امکان تحصيله لابلالمباشرة او بعد العمل للغير، لأن المفروض عدم تعيين المباشرة او عدم تعيين المدة.

۳- طباطبایی يزدي، محمد كاظم، ۱۳۹۰، العروة الوثقى، جلد دوم، تهران، انتشارات على بن ابى طالب، چاپ سوم، ج دوم، ۱۳۹۰، ص ۵۱۵.

۴- وكيف كان فقد عرفت ان المستاجر يملك المنفعة بالعقد كما ان المؤجر يملك الاجرة به الا انه ملك غير مستقر و انما يستقر بالاستيفاء بلاخلاف و لا اشكال او بما فى حكمه، كما اذا سلم العين للمستاجر للمستاجر و قبضها، و مضت مدة الاجارة لو كانت مقدرة بها، او مدة يمكن فيه استيفاء المنفعة لو كانت مقدرة بالعمل، سواء استوفى ام لا، لعذر ام لا، فانه اذا كان كذلك لزمته الاجرة بلاخلاف معتد به، حتى لو كانت الاجارة فاسدة و ان كان اللازم فيها اجرة المثل.

۵- لو أجر نفسه لصوم يوم معين عن زيد مثلاً ثم أجر نفسه لصوم ذلك اليوم عن عمرو، لم تصح الاجارة الثانية و لو فسخ الاولى بخيار او اقالة قبل ذلك اليوم لم ينفع فى صحتها بل و لو اجازها ثانيا بل لابد له من تجديد الاجارة،

اگر اجیر یا مستاجر در اجاره اشخاص فوت شود، از لحظه فوت اجاره منحل می شود، مگر اینکه اجیر پذیرفته باشد که عمل مورد اجاره در ذمه است که در این حالت با فوت اجیر به مقدار عمل از اموال او استیفاء می شود؛ ولی در قرارداد انتقال بازیکن به دلیل شخصی بودن ویژگی های فرد، تعهد قراردادی به محض فوت بازیکن یا مربی منحل می شود.

تعادل معاوضی میان اجرت و عمل مورد اجاره در قرارداد اجاره اشخاص شرط است؛ به این دلیل در مواقعی که ارزش یکی از دو عوض در قرارداد اجاره به مقدار فاحش بیشتر از دیگری باشد، به واسطه غبن حق فسخ را طرف مقابل قرارداد دارد. مثل موردی که شخصی جهت انجام کار تخصصی که ارزش آن ۱۰۰ هزار تومان است، با ۵۰ هزار تومان اجرت اجیر شود و بعد از آن متوجه گردد که ارزش کار او بیشتر از اجرت مشخص شده است، به این علت قرارداد اجاره را می تواند فسخ و مطالبه اجرت حقیقی خود را نماید. ولی در قرارداد انتقال بازیکن بعد از امضای قرارداد به وسیله باشگاه و بازیکن هیچ کدام نمی تواند یکطرفه به جهت غبن فاحش قرارداد را فسخ نماید و این مورد در مقررات داخلی و بین المللی از موارد فسخ قرارداد مشخص نشده است. از این رو اگر باشگاهی بازیکنی را که ارزش آن برای دو فصل آن ۵۰۰ میلیون تومان است به ۱ میلیارد تومان خریداری نماید، در این شرایط حق فسخ قرارداد را باشگاه به علت غبن ندارد و اگر قرارداد را فسخ نماید، فسخ او غیرموجه و سبب غرامت خواهد شد. چون که شرایط و موارد فسخ در مقررات نقل و انتقال بازیکن به شکل انحصاری مشخص شده که غبن در شمار آن موارد نیست.

طبق ماده ۵۱۵ ق.م بعد از اتمام مدت و در حالتی که مستاجر مخالفت ننماید، اجیر می تواند با دقت به مراضات طرفینی به کار خود ادامه دهد و به این صورت استحقاق دریافت اجرت المثل معادل اجرت المسمی را خواهد داشت؛ ولی در قرارداد انتقال بازیکن با اتمام مدت، رابطه قراردادی نیز پایان می یابد و در صورت انعقاد قرارداد جدید باشگاه حق استفاده از بازیکن را دارد.

مستاجر مکلف به پرداخت هزینه درمان اجیر در قرارداد اجاره انسان نمی باشد در صورتی که باشگاه متعهد به پرداخت هزینه درمان و معالجه در قرارداد انتقال بازیکن می باشد. به این خاطر همه باشگاهها مکلف به بیمه کردن بازیکن در مقابل حوادث ورزشی می باشند. طبق بند ۲ ماده ۳۴ آیین نامه لیگ قهرمانی تکواندو باشگاه مکلف است بازیکن را در مقابل سوانح، فوت، نقص عضو، صدمات و هر نوع بیماری که به موجب تمرینات یا مسابقات یا به سبب مسافرت داخلی و خارجی بیمه نموده و آن را پیوست قرارداد نماید. چنانچه اجیر در اجاره انسان به جهتی مانند بیماری به شکل موقت توانایی انجام تعهد قراردادی را نداشته باشد، مستاجر تکلیفی به پرداخت اجرت نخواهد داشت، بر این اساس اگر مانع انجام کار اجیر حادثه اجتناب ناپذیر و خارجی باشد، همبستگی میان منفعت موضوع قرارداد و اجرت اجیر ایجاب می کند که تلف منفعت، تعهد مستاجر به پرداخت اجرت را از بین ببرد. لذا به عنوان مثال اگر به واسطه بیماری اجرای نمایشی

منحل گردد، افرادی که برای مشاهده آن بلیط خریده اند می توانند بهای آن را پس بگیرند.^۱ (کاتوزیان، ص ۵۸۶). ولی ناتوانی موقت بازیکن در قرارداد انتقال بازیکن، دلیل معاف بودن باشگاه از پرداخت دستمزد به او نمی‌باشد.^۲ در خصوص قرارداد کار هم به علت این که انجام وظیفه کارگر به امر کارفرما است و فراهم نمودن وسایل و فضای سالم جهت انجام کار مورد نظر، بعهده کارفرما است، مواردی از قبیل تعطیلی کارگاه و نابودی کالایی که باید بر طبق آن کار انجام شود، کارفرما را از پرداخت دستمزد معاف نمی‌کند. چنانچه تبصره ماده ۵۰ قانون کار مقرر داشته «کارفرما مکلف است مزد کارگران خود را که مستقیماً یا بطور غیر مستقیم بیکار می‌شوند در ایام تعطیل بپردازد.»

از لحاظ عرفی امکان دارد؛ تعهد اجبر در قرارداد اجاره با توجه به نوع کاری که بعهده اجبر گذاشته می‌شود، تعهد به نتیجه یا تعهد به وسیله باشد، برای نمونه تعهد مغتی جهت حفر چاه عرفاً تعهد به وسیله است، بر این اساس برای این عمل مستحق اجرت می‌باشد هر چند که چاه به آب نرسد؛ ولی تعهد خیاط برای دوختن لباس عرفاً تعهد به نتیجه می‌باشد و اگر نتیجه حاصل نشود علاوه بر اینکه اجرتی دریافت نمی‌کند، ضامن قیمت پارچه هم می‌باشد. همچنین است تعهد متصدی حمل و نقل، که تعهد به نتیجه می‌باشد و هنگامی استحقاق اجرت دارد که کالا را صحیح و سالم به مقصد برساند. ولی در قرارداد انتقال بازیکن، تعهد مربی یا بازیکن فوتبال در برابر باشگاه تعهد به وسیله است. براین اساس بازیکن زمانی در مقابل باشگاه مسئولیت دارد که باشگاه با دلایل کافی بتواند ثابت نماید که بازیکن تعهدی را که در بکاربردن همه تلاش خود در بازی بوده انجام نداده است.

بنابراین از لحاظ مقررات موجود در دو قرارداد می‌توان بیان نمود؛ که آیین نامه های فدراسیون ها، شامل مقررات حاکم بر قرارداد انتقال بازیکن می‌باشد. در صورتی که قوانین عادی بر اجاره اشخاص حاکم است. آیا می‌توان با وجود جهات افتراق، بیان نمود که ماهیت قرارداد انتقال بازیکن، قرارداد اجاره اشخاص است؟ آیا انجام عمل و فعالیتی به وسیله انسان به عنوان موضوع قرارداد و جهات اشتراک آنها این دو را به هم نزدیک می‌کند؟ و اصولاً آیا می‌توان ادعا کرد که قرارداد مزبور به عنوان شعبه ای از عقد اجاره اشخاص همانند قرارداد کار تاسیس گردیده یا اینکه ماهیت این دو قرارداد از یکدیگر متفاوت است؟ به نظر می‌رسد با دقت به امری بودن قسمتی از مقررات قرارداد انتقال بازیکن و اینکه وجوه افتراق بسیار زیاد این قراردادها با قرارداد اجاره، نمی‌توان ادعا نمود که ماهیت این قرارداد، عقد اجاره اشخاص است. بر این اساس راهی جز این نداریم که بگوییم ماهیت این قراردادها را قرارداد خصوصی و شامل ماده ۱۰ قانون مدنی بدانیم که تابع آثار و احکام مخصوص به خود می‌باشد.

۱- کاتوزیان، ناصر، الزام های خارج از قرارداد مسئولیت مدنی، انتشارات گنج دانش، چاپ چهارم، ۱۴۰۱، ص ۵۸۶.

۲- حسینی، احمد، ۱۳۸۷، ماهیت و آثار حقوقی قراردادهای میان ورزشکار و باشگاه ورزشی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه قم، ۱۳۸۷، ص ۱۳۸.

تنها قرارداد ورزشی که در حقوق موضوعه ایران و فقه به آن پرداخته شده عقد سبق و رمایه است.

سبق: به فتح سین و سکون باء؛ مطلق پیش گرفتن بر دیگری است و در کلام فقها از یک عقد و معامله خاصی که جهت اسب دوانی واقع می شود تعبیر شده است.^۱ و سبق را: به فتح هردو جهت عوض و جایزه که در این عقد، قرارداد شده اطلاق گردیده است.^۲

رمی: در لغت به معنای انداختن و رمایه به کسر راء به معنای تیرانداختن می باشد و در اصطلاح فقها عبارتست از: عقدی که وقوع می بیابد برانداختن آلات قتال؛ مثل: نیزه، شمشیر، تیر، تفنگ و غیره.

عقد سبق و رمایه یعنی اینکه دو یا چند نفر با هم توافق در رشته های ورزشی مشخص برانجام مسابقه با عوض معین نمایند. بر این اساس، عقد سبق و رمایه میان چند نفر جهت اینکه با هم مسابقه دهند انعقاد می گردد و جایزه یا عوض مشخص شده به برنده داده می شود. در قانون مدنی عقد سبق و رمایه را با عنوان (گروبندی و قمار) ذکر شده است. قانون مدنی بعد از صدور حکم کلی، بطلان گروبندی و قمار را در ماده ۶۵۴ ذکر می کند؛ ماده ۶۵۴ قانون مدنی مقرر می دارد: «قمار و گروبندی باطل و دعاوی راجع به آن مسموع نخواهد بود و همین حکم در مورد کلیه تعهداتی که از معاملات نامشروع تولید شده باشد جاری است»، ماده ۶۵۵ بیان می کند: «در دوانیدن حیوانات سواری و همچنین در تیراندازی و شمشیرزنی، گروبندی جایز و مفاد ماده قبل در مورد آنها رعایت نمی شود». در تعریف گروبندی و قمار حقوقدانان بیان نموده اند: «قمار قراردادی است میان دو یا چند فرد که بازی خاصی انجام دهند و هر کدام از آنها که پیروز شد دیگران مال معینی را به او بدهند» و «گروبندی پیمانی است میان دو طرف، که یکی امر معینی را اثبات و دیگری نفی می نماید و تعهد می کنند، که هر کدام درست گفته باشد مال مشخصی را به او بدهند». از گروبندی و قمار به «شرط بندی» هم تعبیر شده است. بنابراین ارکان عقد سبق و رمایه را می توان طرفین عقد و موضوع قرارداد نامید؛ که در برگیرنده برگزاری مسابقه در رشته های ورزشی مشخص و سبق یا عوض می باشد.^۳ حال به بررسی هرکدام از این موارد می پردازیم:

۱- کمالی، سعیده، بررسی ماهیت و موانع و مزایای ثبت قراردادهای ورزشی به صورت رسمی و عادی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد قزوین، ۱۳۹۵، ص ۳۷.

۲- ابینسون، متیو، مدیریت باشگاه ورزشی، ترجمه رحیم رضائی نژاد، مهدی آزادان و مالک آزادان، نشر علم و حرکت، تهران، ۱۳۹۲، ص ۱۲.

۳- رادی، جواد؛ صابونچی، رضا؛ مرادی، محمدرضا، نقش عوامل اقتصادی در جذب سرمایه گذاری خارجی در صنعت فوتبال ایران، مجموعه مقالات همایش بین المللی علم و فوتبال، تهران، ۱۳۸۸، ص ۲۸.

الف- طرفین عقد: در سبق و رمایه طرفین عقد از دو یا چند نفر که جهت انجام مسابقه در رشته ورزشی معلوم هستند؛ با مشخص نمودن جایزه با هم به رقابت می پردازند.

علت عمده عقد در این قرارداد شخصیت مسابقه دهندگان می باشد. همین موضوع است که عقد سبق و رمایه را از سایر عقود مانند جعاله و اجاره اشخاص جدا نموده و دارای وجودی مستقل است. به همین سبب افرادی که قرار است در مسابقه شرکت نمایند طرف عقد بشمار می روند. هیچ یک از طرفین نمی تواند شخص دیگری را جهت اجرای مسابقه اجیر کرده و معرفی کند. حقوقدانان و فقها بر همین اساس، اعتقاد دارند: هنگامی عقد سبق و رمایه درست است که میان مسابقه دهندگان انعقاد یابد وگرنه اگر اشخاص دیگری شرط بندی بر سر برد و باخت مسابقه دهندگان کنند؛ توافق صورت گرفته از مصادیق عقد سبق و رمایه نبوده و گروبندی و قمار است و چنین توافقی به جهت ماده ۶۵۴ ق. م باطل است^۱

ب - موضوع قرارداد: به اختصار در این بخش در خصوص موضوع قرارداد به بحث و بررسی خواهیم پرداخت.

۱- انجام مسابقه در رشته های ورزشی مشخص که این مورد در برگیرنده دوبرخس، انجام مسابقه و رشته مشخص و معین ورزشی می باشد. انجام مسابقه: به دلیل اینکه انجام مسابقه میان طرفین عقد موضوع اصلی عقد سبق و رمایه است، عنوان ورزشی به خود گرفته است. متعاقباً قرارداد با توافق برانجام مسابقه، در واقع توافق به استفاده از توانایی و مهارت بدنی و ذهنی خود در حین مسابقه می کنند. در کتب فقهی شرایط و چگونگی انجام مسابقه و قوانین حاکم بر مشخص نمودن برنده و غیره ذکر شده است. اگرچه طرفین می توانند در ضمن عقد به واسطه ارشادی بودن این مقررات، هر شرط دیگری که با قانون و شرع مغایرتی نداشته باشد را درج کنند.^۲

رشته های ورزشی مشخص و معین: آیات و روایاتی که بر ضروری و لازم بودن یادگیری مهارت های نظامی و بالابردن نیروی جسمانی تاکید می کنند از مبانی جواز عقد سبق و رمایه است. در بین روایاتی که به شکل مبانی این عقد عنوان شده است؛ مواردی موجود است که بر ورزش های بخصوصی تاکید می کنند که استنباط از آنها این چنین است که مباح بودن عقد سبق و رمایه تنها در این رشته ها است. یکی از این روایات، از پیامبر اکرم (ص) نقل گردیده که بیان می دارند: « شرط بندی مسابقه نیست مگر در اسلحه آهنی یا حیوان بدون سم.»^۳ براین اساس، تعدادی از فقهاء در تبیین عقد سبق و

۱- الهی، علیرضا؛ گودرزی، محمود؛ خبیری، محمد، بررسی عملکرد سازمان لیگ حرفه ای فوتبال جمهوری اسلامی ایران و مقایسه آن با سازمان لیگ حرفه ای فوتبال ژاپن، نشریه حرکت، سال ۱۳۵۸، شماره ۲۷، ص ۲۸.

۲- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه، روش های تحقیق در علوم رفتاری، تهران، انتشارات آگاه، چاپ ۱۴۰۱، ص ۲۰۷.

رمایه متذکر شده: «آنچه را که مسابقه برآن تجویز شده؛ عبارتست از: اسلحه آهنی که در برگیرنده شمشیر و ابزار جنگی و تیر و حیوان بدون سم را نیز شتر و حیوانی که سم دارد، استر، فیل، الاغ، قاطر وغیره است»^۱

با دقت به این نکته که در صدراسلام محدودیت هایی برای ورزش ها بوده، این سوال طرح می گردد که آیا می توان در ورزش های دیگر؛ مثل: والیبال، فوتبال، جودو، کاراته، اتومبیلرانی وغیره حکم به صحت عقد سبق و رمایه نمود یا خیر؟ به عقیده عده ای از فقهاء نباید مسابقه را محدود به قسمت خاصی از قبیل: تیر و نیزه و غیره کرد. با دقت به ملاک آیه شریفه «واعدولهم مااستطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدوا ... و عدوکم» که همانا افزایش نیروی دفاعی و قوای بدنی مسلمانان در پیکار با دشمنان است، می توان شرط بندی و مسابقه را در سایر رشته هایی که این ملاک را دارا باشند؛ از قبیل: زره پوش، کشتی های جنگی، در طیارات، تفنگ و غیره جاری نمود.^۲ مواردی که از اخبار در خصوص جواز سبق و رمایه بیان شده است؛ در آن عصر به اعتبار وجود آنها بوده، زیرا دین اسلام زمانی ظهور نمود که پیشرفت ها و اختراعات امروزی صورت نگرفته بود و ابزار جنگی از شمشیر و تیر و کمان و اسب جلوتر نمی رفت و با دقت به دنبال نمودن هدفی که از این مسابقات بود، مانعی ندارد برای برگزاری مسابقه با تسلیحات امروزی و اموری که سبب اقتدار و قدرت می گردد. در پاسخ به این سوال عده ای از حقوقدانان بیان نموده اند که با دقت به وحدت ملاک شرط بندی، در سایر موارد، مانند: دوچرخه سواری، اتومبیلرانی، شنا و غیره که با ورزش های ذکر شده منافع اجتماعی مشابهی دارند؛ می توان در این عقود حکم به مشروعیت شرط بندی داد. برخی دیگر از حقوقدانان هم برآنند که وحدت ملاک فقط قابل اعمال در ورزش های مشابه مثل هواپرد، شنا، نشانه روی با ضدهوایی و موشک است و راهی در سایر ورزش ها مانند: والیبال، فوتبال و غیره ندارد. در هر صورت آنچه مسلم است؛ تمام ورزش ها شامل عقد سبق و رمایه نمی شود و تنها ورزش هایی را دربر می گیرد که یا از نظر نوع رشته ورزشی یا به لحاظ وحدت ملاک و چگونگی اجرای آن مشابه با موارد مشخص شده باشد.^۳

۵- عوض یا جایزه

عوض یا جایزه که در فقه «سبق» هم نامیده می شود؛ مالی است که به شخص پیروز بعد از اتمام مسابقه اعطا می شود. به طور معمول عوض در عقد مسابقه، به وسیله طرفین معامله مشخص و پرداخت می گردد. مشابه شرط بندی یا عقد سبق و رمایه در بعضی

۱- کمالی، سعیده، بررسی ماهیت و موانع و مزایای ثبت قراردادهای ورزشی به صورت رسمی و عادی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد قزوین، ۱۳۹۵، ص ۴۶.

۲- ایزدی، علیرضا، توصیف عوامل مؤثر بر جذب اسپانسر شیب شرکت های اسپانسر فوتبال حرفه ای ایران، پایان نامه انتشار نیافته کارشناسی ارشد، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تربیت معلم تهران، ۱۳۸۴، ص ۵۶.

۳- ایزدی پیشین، ص ۷۵.

از کشورها، مانند: انگلیس میان ورزشکاران مرسوم بوده است؛ برای نمونه: ملکه انگلیس در سال ۱۷۱۴ در مسابقه ای که چند سوارکار در آن شرکت داشتند هر یک از آنها را وادار نمود مبلغی را در بین خود مشخص نمایند تا پس از اتمام مسابقه به شخص پیروز پرداخت شود. ولی در اکثر کشورها شرط بندی به این شکل که تماشاگران بر سر برد یا باخت تیم های ورزشی یا ورزشکاران شرط بندی نمایند تنها در رشته اسب سواری پذیرفته شده است و در سایر رشته های ورزشی باطل است. قوانین و مقررات کشور انگلستان شرط بندی از سمت بازیکنان بر تیم های متبوعشان را به شدت رد کرده است به شکلی که انجام این عمل با مجازات سنگین حداقل ۵ سال محرومیت از شرکت در مسابقات، را به دنبال دارد.^۱

۶- مقایسه قرارداد ورزشی با عقد سبق و رمایه

نقاط اشتراک و افتراق ذیل از مقایسه قرارداد ورزشی و عقد سبق و رمایه قابل استنباط است که جهت این مقایسه در قرارداد ورزشی و عقد سبق و رمایه ابتدا نقاط اشتراک و پس از آن نقاط افتراق آنها مورد بررسی قرار می گیرد.

الف- نقاط اشتراک: ۱. هر دو قرارداد، را می توان جزء قراردادهای ورزشی محسوب می نمود.

۲. اعمال تکنیک، و مهارت نیروی بدنی و ذهنی در مسابقات موضوع اصلی هر دو قرارداد است.

ب- نقاط افتراق: در قرارداد سبق و رمایه طرفین جز مسابقه دهندگان هستند، ولی در قرارداد ورزشی، تنها بازیکن مسابقه دهنده به شمار می رود. هرچند، تحت نام باشگاه، بازیکن مسابقه می دهد، ولی در حقیقت باشگاه مسابقه دهنده می باشد؛ به این دلیل که شخصیتی حقوقی می باشد که از منافع بازیکن در راستای انجام مسابقه استفاده می نماید؛ در همه رشته های ورزشی انعقاد قرارداد ورزشی قابل تصور می باشد، در صورتی که عقد سبق و رمایه؛ منحصرأ قابل تصور در رشته های مشخص شده و یا مشابه (اعم از اینکه از جهت وحدت ملاک یا از حیث انجام آن مشابه باشد) است. عقد سبق و رمایه میان طرفین؛ جنبه شرط بندی دارد، در صورتی که در مورد قرارداد ورزش صدق این عنوان صحیح نیست.^۲

۱- Woods, 1997, PP:223-233.

۲- راجر جکسون، پالمر ریچارد، ۱۳۹۲، راهنمای مدیریت ورزشی. مترجمان: خبیری محمد، سجادی سیدنصراله، صدیق سروستانی رحمت اله، عزیزی محمد، گابینی عباسعلی، نوابی نژاد شکوه. چاپ سوم. تهران: انتشارات کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۹۲، ص ۲۸۶.

۷- قانون کار و قرارداد ورزشی

می توان گفت طبق نظر علمای حقوق «حقوق کار بر تمامی روابط حقوقی که به جهت انجام کار برای دیگری می باشد، حاکم است، با این شرط که انجام کار با تبعیت یک طرف نسبت به طرف دیگر همراه باشد.»^۱

ماده ۵ قانون کار می گوید: «کلیه کارگران، کارفرمایان، نمایندگان آنان و کارآموزان و نیز کارگاه ها مشمول مقررات این قانون می باشند». بنابراین با توجه به جنبه کلی بودن قانون، در قانون کار اصل بر این است که مقررات حقوق کار شامل همه مزد بگیران و حقوق بگیران می شود مگر، آنکه قانون صریحا افرادی را استثناء کرده باشد. به عبارت دیگر حقوق کار شامل تمام افرادی می شود که عنوان کارگر و کارفرما داشته باشد.

ماده ۵۷ قانون کار در تعریف قرارداد کار بیان می کند: «قرارداد کار عبارتست از: قرارداد کتبی یا شفاهی که به موجب آن کارگر در قبال دریافت حق السعی، کاری را برای مدت موقت یا غیرموقت برای کارفرما انجام می دهند».

با عنایت به اینکه موضوع قرارداد کار به عنوان شاخه ای از قرارداد اجاره انسان نیروی جسمی و فکری انسان است و از سوی دیگر همانند قراردادهای ورزشی متضمن قواعد آمره بسیاری است آیا می توان گفت که قرارداد ورزشی تحت شمول قانون کار است و نوعی قرارداد کار بوده یا خیر؟

۷-۱- مقایسه قرارداد ورزشی و قرارداد کار

از شباهت ها و تفاوت هایی که از مقایسه قرارداد کار و قرارداد ورزشی و مقررات قوانین و حاکم بر آنها وجود دارد چنین می توان استنباط نمود که: از حیث نقاط اشتراک، حقوق کار حاکم برتمام روابطی است که به جهت انجام کار برای دیگری ناشی می شود؛ با این شرط که انجام کار با تبعیت یک طرف در برابر طرف دیگر همراه باشد. با دقت به آنچه در مورد موضوع قرارداد ورزشی بیان شد؛ این تعریف دربرگیرنده قرارداد ورزشی هم می شود، زیرا بازیکن برای شخص دیگری کار می کند و تبعیت حقوقی به جهت اجرای تعهداتش از باشگاه دارد و موضوع قرارداد ورزشی عبارت است از: به کار گیری تکنیک، مهارت و نیروی بدنی و ذهنی در تمرینات و مسابقات! به عبارت دیگر موضوع قرارداد ورزشی نیروی جسمی و فکری انسان است که در اختیار باشگاه قرار می گیرد. موضوع قرارداد کار نیز چیزی جز این نیست چه این که کارگر نیروی کار و فعالیت خود را در اختیار کارفرما خود قرار می دهد.

ملاک تشخیص قرارداد اجاره اشخاص از قرارداد کار تبعیت حقوقی کارگر از کارفرما می باشد. در خصوص بازیکن هم این ملاک وجود دارد. به این ترتیب که بازیکن در همه

مراحل از جمله تمرین، زمان تمرین، مسابقات مرخصی ها و تعطیلات، حتی تغذیه و غیره، تابع مقررات و نظر باشگاه می باشد. این تبعیت تا اندازه ای است که بازیکن در چگونگی اعمال تکنیک و مهارت و نیروی بدنی و ذهنی اش هم تابع نظر باشگاه می باشد. در قرارداد کار کارگر متعهد است و تعهد او وضع شخصی دارد و فرد دیگری نمی تواند آنها را انجام دهد و به وراث او نیز انتقال نمی یابد. در حقیقت شکلی از توافق در قرارداد کار بین متعقدین انجام می پذیرد که سبب ادامه قرارداد شده و امکان خلاف خواست یکی از طرفین نیست. بنابراین می توان بیان نمود که بیشتر قرارداد کار به حقوق اشخاص مربوط است تا به حقوق اموال. از آنجایی که شیء و مال موضوع این قرارداد نیست، تعهدی می باشد که به شخص کارگر مرتبط است. در قراردادهای ورزشی نیز تعهدات بازیکن قائم به شخص اوست. باشگاه با ملاحظه توانایی ها و شخصیت بازیکن با قرارداد منعقد می نماید و از سوی دیگر نیز مقررات و آیین نامه های ورزشی اجازه انجام تعهدات بازیکن توسط ثالث را صراحتاً معنا کرده است. هر دو جزو عقود مستمر، دو تعهدی، معوض، الحاقی و قوانین و مقررات آنها جنبه امری دارند.

از حیث نقاط افتراق، در قرارداد کار قوانین عادی عمدتاً قوانین و مقررات حاکم هستند که توسط قانونگذار وضع می شوند از جمله این قوانین می توان به قانون کار ۱۳۶۹ که از مهمترین منابع حقوق کار در ایران است اشاره نمود. با این حال قوانین حاکم بر سازمان های ورزشی اغلب آیین نامه هایی هستند که توسط فدراسیون های ورزشی تهیه و تصویب می شوند. حتی در قرارداد کار، کارفرما یک شخصی حقیقی یا حقوقی است؛ اما در قرارداد ورزشی همیشه کارفرما شخص حقوقی است. در نتیجه هدف اصلی قانونگذار از تصویب قوانین کار حمایت از قشر کارگر در برابر کارفرمایان است، در صورتی که هدف از تصویب مقررات و قوانین ورزشی، اعم از آیین نامه های نقل و انتقالات و انضباطی، استقرار انضباط و نظم میان بازیکنان و باشگاه ها می باشد. به این جهت، پذیرش حمایتی بودن این مقررات با دشواری همراه است.^۱

۷-۲- وضعیت قرارداد ورزشی در حقوق ایران

با توجه به مقررات فدراسیون ها باید گفت قرارداد ورزشی عقدی تشریفاتی است؛ زیرا اولاً طبق ماده ۲ آیین نامه نقل و انتقالات فوتبال مصوب ۱۳۹۱، «باشگاه و بازیکن موظفند براساس فرم تهیه شده از طرف فدراسیون، قراردادی تنظیم و مبادله نمایند» و ثانیاً به موجب تبصره ۲ همین ماده، «قرارداد در چهار نسخه تنظیم می شود که پس از گواهی مهر و امضاء در دفتر اسناد رسمی و همچنین در دفتر هیأت فوتبال شهرستان ظرف ۷۲ ساعت جهت ثبت در هیأت فوتبال استان برای مسابقات استانی و ارسال یک نسخه آن

۱- حسینی، احمد، ۱۳۸۷، ماهیت و آثار حقوقی قراردادهای میان ورزشکار و باشگاه ورزشی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه قم، ۱۳۸۷، ص ۱۳۰.

به فدراسیون فوتبال و در مورد بازیکنانی که در مسابقات کشوری حضور می یابند، ظرف ۷۲ ساعت جهت ثبت در دفتر کمیته مسابقات فدراسیون ارائه شود». تبصره مذکور در ادامه و در بیان ضمانت اجرای تخطی از ترتیبات و تشریفات بیان می کند: «در صورتی که قراردادهای موضوع این آئین نامه در هیأت فوتبال شهرستان و استان مربوطه و فدراسیون فوتبال ثبت نشود و در مورد باشگاه های استانی یک نسخه آن به فدراسیون فوتبال ارسال نشود، فاقد اعتبار است و حضور بازیکن در مسابقات مرتبط غیرمجاز تلقی می گردد». بنابراین چنانچه باشگاه با بازیکن قرارداد منعقد نماید اما مبادرت به ثبت آن ننماید، نقل و انتقال بازیکن به باشگاه جدید به درستی صورت نگرفته و قرارداد باطل خواهد بود. با توجه به آنچه در تعریف عقد تشریفاتی و لزوم ثبت قرارداد ورزشی و همچنین لزوم گنجاندن توافق در فرم تهیه شده توسط فدراسیون بیان شد، می توان گفت: قرارداد ورزشی عقد تشریفاتی است. علاوه بر این، با قطع و یقین می توان گفت عقد تشریفاتی در نظام حقوقی ایران نیز وجود دارد و از طرف دیگر، ایرادات وارد بر عقود تشریفاتی دیگر (مبنی بر اینکه لزوم ثبت و رعایت تشریفات، از جهت اثبات و استناد در مراجع صالح است)، در خصوص قرارداد ورزشی قابل پذیرش نخواهد بود؛ زیرا علاوه بر اینکه باید مهر و امضاء طرفین توسط دفاتر اسناد رسمی گواهی شود، باید در مراجع دیگری که فدراسیون مشخص کرده است نیز ثبت شود تا موجب آثار حقوقی باشد. به طور معمول، قرارداد باشگاه ها و ورزشکاران در ایران متن از پیش تعیین شده ای است که توسط فدراسیون های ورزشی تهیه و تنظیم می شود و در اختیار باشگاه ها قرار می گیرد. باشگاه ها نیز هنگام انعقاد قرارداد، آن را به ورزشکاران ارائه می دهند. در همین رابطه ماده ۱ آئین نامه نقل و انتقالات سازمان لیگ فوتبال مقرر می کند: «آئین نامه نقل و انتقالات به استناد ماده ۶ اساسنامه فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران و به اتکاء اصول تصریح شده در مقررات بین المللی فوتبال و به جهت تعیین وضعیت، نحوه به خدمت گرفتن و چگونگی نقل و انتقال بازیکنان در رده های سنی متفاوت و کادر فنی و پزشکی و همین طور اقاله یا فسخ قرارداد با دلیل موجه یا دلیل موجه ورزشی و همچنین حل اختلاف و چگونگی مجازات و جرایم آنان در صورت عدم احترام به مقررات و رعایت اصول حاکم بر روابط بین آنها، تدوین گردیده است».

شروط و مندرجات قرارداد ورزشی که از سوی فدراسیون تنظیم و ارائه می شود، قابل تغییر و دخل و تصرف از سوی باشگاه ها و ورزشکاران نمی باشد؛ بنابراین طرفین یا باید چنین قراردادی را به همان نحو قبول نمایند و یا آن را رد کنند. قرارداد ورزشی ارائه شده به استناد بندهای ماده ۲۰ آئین نامه فوق الذکر، باید متضمن موضوعاتی مثل دستمزد و نحوه پرداخت آن، مدت قرارداد، وظایف و تکالیف باشگاه و ورزشکار، مسئولیت های طرفین قرارداد، ضمانت اجرای عدم انجام تعهدات، حقوق مالیاتی و ... باشد.

از آنچه در خصوص قراردادهای ورزشی ایران گفته شد، چنین استنباط می شود که قراردادهای ورزشی رایج در ایران در زمره عقود الحاقی (استاندارد) محسوب می شوند؛ زیرا اولاً همانند عقود الحاقی متنی از پیش تنظیم شده هستند که به طرف مقابل ارائه

می‌شوند و متضمن موضوعاتی مثل حقوق و تکالیف، دستمزد، مدت و... می‌باشند. ثانیاً طرفین قرارداد ورزشی نمی‌توانند شروط و مندرجات قرارداد را تغییر دهند^۱ البته ارائه قرارداد به یک طرف و تغییرناپذیری آن باعث نمی‌شود قرارداد مورد نظر را عقد تحمیلی قلمداد کنیم؛ زیرا در عقد تحمیلی رابطه حقوقی بر طرفین یا لاقلاً یک طرف تحمیل می‌شود.^۲ در حالی که در قرارداد ورزشی به هیچ عنوان نمی‌توان مدعی تحمیل انشاء عقد به طرفین قرارداد یا یک طرف آن شد.

۸- ماهیت قرارداد ورزشی در انگلستان

در سیستم حقوقی انگلیس، روابط ورزشکاران در ورزش های حرفه ای بر اساس توجه و ملاحظات قوانین کار تدوین شده است. با این حال، سال ها تصور می شد که ورزش های حرفه ای شغل نیست؛ اما با تغییر نگرش به ورزش و ظهور آن به عنوان یک صنعت مؤثر و مولد در تجارت و بهبود ساختار فدراسیون های ورزشی، ورزش های حرفه ای به جمع قانون کار پیوستند.^۳ و همه متخصصان ورزش مانند: ورزشکاران، کلوپ ها، کارمندان اداری، پزشکان ورزشی، خبرنگاران ورزشی، فروشندگان بلیط و... از مزایای قانون کار برخوردار شدند.

مهمترین مزیتی که این قانون دارد، به مشتریان خود و به اتحادیه ها اجازه می‌دهد؛ برای تنظیم و رمزگذاری نذورات جمعی، محافظت از اعضا، اقدامات جمعی مانند اعتصاب، مدیریت ورزش و... فعالیت کنند. امروزه ورزشکاران و باشگاه‌های انگلیسی بر اساس قانون کار و اتحادیه کار می‌کنند تا منافع شرکت‌های خود را حفظ کنند.^۴ بررسی رابطه قرارداد ورزشی با عقود جمعی، از جهت تعیین نحوه تنظیم و امکان دخالت طرفین در تنظیم قرارداد، در راستای شناخت ابعاد و مختصات این قرارداد حائز اهمیت می‌باشد. بدین ترتیب پس از بیان تعریف عقد جمعی، به بررسی نحوه تنظیم قراردادهای ورزشی در ورزش خواهیم پرداخت.

۸-۱- عقود جمعی

در تعریف عقد جمعی می‌توان بیان نمود که: «عقدی است که لاقلاً یک طرف آن جماعتی باشد که رضای اکثریت نافذ باشد یا نماینده اکثریت در انعقاد عقد دخالت کند مثل عقد کارگر و کارفرما»^۵ در تعریفی دیگر، مفهوم عقد جمعی چنین بیان شده است:

۱- توکلی فر، اکبر، ۱۳۹۲، ماهیت حقوقی قراردادهای ورزشی در حقوق ایران با تاکید بر رویه قضایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان. ۱۳۹۲، ص ۳۳.

۲- کاتوزیان، ناصر، ۱۴۰۱، الزام های خارج از قرارداد مسئولیت مدنی، انتشارات گنج دانش، چاپ چهارم، ۱۴۰۱، ص ۳۴.

۳- Harpwood, 2019, P.25.

۴- Walter, T. Champion, Jr, 2022, p569.

۵- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، فلسفه حقوق مدنی، انتشارات مجد، چاپ سوم، ۱۳۹۸، ص ۲۵۷.

«عقد جمعی پیمانی است که بین بخشی از اعضای گروه‌ها و شریکان انعقاد می‌شود و جهت تمام آنها التزام ایجاد می‌کند و به شکل معمول اراده اکثریت را بر همه حاکم می‌سازد»^۱

دو نمونه بارز از عقود جمعی عبارت از «پیمان جمعی کار و قرارداد الحاقی»؛ به عنوان مثال ماده ۳۵ قانون کار مصوب ۱۳۳۷ در تعریف قرارداد جمعی کار می‌گوید: «پیمان دسته جمعی کار عبارت از پیمان کتبی که به منظور تعیین شرایط کار بین یک یا چند سندیکا یا اتحادیه یا کنفدراسیون کارگری از یک طرف و یک یا چند کارفرما یا سندیکا یا اتحادیه یا کنفدراسیون کارفرمایی از طرف دیگر منعقد می‌شود».

روند انعقاد عقود جمعی مثل قرارداد دسته جمعی کار بدین نحو است که یک یا چند نفر به نمایندگی از اتحادیه های کارگری، و یک یا چند نفر به نمایندگی از اتحادیه کارفرمایی، به منظور تنظیم قرارداد کار که عمدتاً موضوعاتی مثل شرایط استخدام، ساعت کار مرخصی، تعطیلات، حداقل دستمزد، حداقل ساعات کار، کارهای سخت و زیان‌آور و... را در بر می‌گیرد، با یکدیگر مذاکره کرده و پس از حصول نتیجه، اقدام به تنظیم سند توافق می‌کنند که براساس آن، قرارداد دسته جمعی کار تنظیم می‌شود.

با عنایت به مطالب فوق‌الذکر و همچنین وجود عده کثیری از ورزشکاران و باشگاه‌ها با اهداف و منافع مشترک، این سوال مطرح می‌شود که آیا قرارداد ورزشی نیز همانند عقود جمعی دیگر، چنین فرآیندی را برای تنظیم طی می‌کند و عقده جمعی محسوب می‌شود یا خیر؟ این سوال را با بررسی نحوه تنظیم قرارداد ورزشی در ایران و انگلیس پاسخ خواهیم داد.

از جنبه تبیین نحوه ارائه قرارداد و امکان تغییر مندرجات و شروط آن به وسیله طرفین قرارداد، بررسی ارتباط قرارداد ورزشی و عقد الحاقی دارای اهمیت می‌باشد.

عقود الحاقی چنین تعریف شده اند که: «متن از قبل مشخص شده ای است که دربرگیرنده جزئیات قراردادی که شامل مسئولیت‌های طرفین، حقوق تعهدات، موارد فسخ و نقض قرارداد، ضمانت اجرای نقض تعهدات و روش های حل و فصل اختلافات می‌باشد که یکی از طرفین به طرف دیگر ارائه می‌دهد و به او امکان مذاکره و بحث و تغییر در خصوص شروط مزبور داده نمی‌شود و در نهایت عقد قرارداد مشروط به پذیرفتن همه شرایط ذکر شده می‌باشد»^۲.

در قراردادهای الحاقی تقسیم شرایط دو دسته است: دسته اول شرایطی است که هدف آن تعیین محدوده کاری و مسئولیت های ارائه دهنده فرم تکمیلی در رابطه با قیمت پیشنهادی است. دسته دوم شرایطی است که پیشنهاد دهنده فرم با توجه به موقعیت اقتصادی برتر خود و ضعف طرف مقابل در قرارداد گنجانده و بدین ترتیب امتیازاتی را

۱- کاتوزیان، ناصر، الزام های خارج از قرارداد مسئولیت مدنی، انتشارات گنج دانش، چاپ چهارم، ۱۴۰۱، ص ۳۸.

۲- شیروی، عبدالحسین، حقوق قراردادها (انعقاد، آثار و انحلال)، انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۹۶، ص ۷۰.

برای خود ایجاد کرده و از آنها در برابر تخلفات قراردادی به عنوان سپر دفاعی توجیه می‌کند.^۱

متنی که قبلاً تنظیم شده و به طرف مقابل ارائه می‌شود؛ امکان دارد به وسیله شخص ارائه‌دهنده یا سایر اشخاص تنظیم شده باشد و در انتها به وسیله ارائه‌دهنده استفاده شده باشد.

رابطه بین باشگاه‌ها و ورزشکاران در ورزش حرفه‌ای انگلیس براساس قرارداد ورزشی بر قرار می‌گردد. قرارداد ورزشی براساس سند توافق جمعی تنظیم شده و بعد از آن به ورزشکاران و باشگاه‌ها ارائه می‌گردد تا در زمان عقد قرارداد، از آن استفاده نمایند. این امر در شرایطی شکل می‌گیرد که متعاقبین قرارداد ورزشی نمی‌توانند تغییری در مندرجات و شروط قرارداد اصلی دهند؛ بنابراین می‌توان بیان نمود، قرارداد ورزشی مرسوم در لیگ‌های ورزشی انگلستان به همان شکل که از نام آن مشخص می‌گردد، قراردادی الحاقی است؛ چونکه اولاً مثل عقود الحاقی متنی از قبل مشخص شده است و ثانیاً طرفی که قرارداد به او ارائه می‌گردد؛ حق ندارد تغییری در مندرجات و شروط آن نماید. بنابراین مورد پذیرش واقع شده است که در قراردادهای جانبی ورزشکار و باشگاه می‌تواند، شروط مد نظر خود را که در قراردادهای الحاقی ذکر نشده است درج نماید؛ البته مشروط بر اینکه مغایرتی با مفاد قرارداد الحاقی و اسناد قرارداد جمعی نداشته باشد.^۲

۸-۲- قرارداد کار

ماهیت بسیاری از قراردادهای ورزشی به این شکل است که با موضوع قراردادهای استخدامی قانونی جهت بکارگیری ورزشکاران استفاده میشود. گسترش صنعت ورزش و امکان کسب درآمد بسیار بدین معنا است که اکثر افراد میتوانند زندگی راحت تری را با ورزش برای خود مهیا کنند. حقوق کار در رابطه استخدامی که ارتباط کارفرما و کارگر نام دارد؛ این امر تعهداتی را به کارفرما تحمیل میکند. در حقوق کامن لا (حقوق عرفی) کارفرما به شکل نیابتی در مقابل فعل یا ترک فعل کارمند خود مسئولیت دارد. این به معنای آن است که کارفرما مسئول است. فارغ از اینکه شخصاً مشارکت داشته باشد یا خیر! کارفرما باید یک سیستم کاری سالم و ایمن را فراهم نماید؛ در غیر این حالت مسئولیت صدمات کارکنان در حین انجام وظیفه قانونی برعهده او است. در کامن لا مجموعه‌ای از تعهدات و حقوق به طرفین رابطه استخدامی تعلق می‌گیرد که طبق شرایط مکتوب در توافق متمایز میباشد، ضمناً شروط کارفرما امکان دارد از قوانین موضوعه سبب شود یا از احکام صنعتی، موافقت‌های شرکتی و یا توسط کامن لا شکل بگیرد. تعیین شاغل بودن

۱- توکلی فر، اکبر، ماهیت حقوقی قراردادهای ورزشی در حقوق ایران با تاکید بر رویه قضایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان، ۱۳۹۲، ص ۳۲.

یا خوداشتغالی بودن یک کارمند گاهی بسیار پیچیده است و در چنین شرایطی دادگاه ها از طیف وسیعی از معیارها استفاده می کنند و البته توانایی کارفرما برای کنترل کارمند در درجه اول اهمیت قرار دارد.^۱

به صورت کلی ورزشکاری که برای مدت معینی با یک سازمان خاص جهت انجام مجموعه ای از فعالیت ها قرارداد امضاء می کند در طبقه کارگران جاری می گیرد، به این ترتیب فوتبالیستی که با یک باشگاه قرارداد می بندد و حاضر می شود در همه تمرینات و مسابقات در طول فصل و خارج از فصل شرکت کند، در حقیقت کارگر به شمار می رود، اما زمانی که یک تیسور به طور مستقل حاضر به حضور در تیمی شود. در یک مسابقه تنیس مشخص با مبلغ جایزه در نظر گرفته شده، بازیکنان باید به وسیله مربی باشگاه هدایت شوند، شرایط لازم برای ارتقای مهارت ها و توانایی های آنها ایجاد شود، پیش از مسابقه و در زمان بازی تمرینات و دستورات تاکتیکی مربی را اعمال کنند، احتمالاً تیسور مورد نظر مربی خاصی دارد و برنامه و فردی را امتحان کنید.^۲

۸ - ۳- وضعیت قرارداد ورزشی در حقوق انگلستان

قراردادها از لحاظ رعایت ترتیبات و تشریفات خاص در نظام حقوقی انگلستان، به عقود رسمی و غیررسمی تقسیم می شوند. عقود غیررسمی عقود هستند که اعتبار و صحت آنها منوط به رعایت تشریفات و ترتیبات خاص نبوده و به صورت کتبی، شفاهی و یا عملی انعقاد می یابد و بودن عوض در آن الزامی است؛ ولی قرارداد رسمی قراردادی است باید به شکل تشریفاتی منعقد شوند تا دارای اثر باشند؛ به این جهت باید کتبی بوده و مهر و امضاء شده و تسلیم شود و نیاز به عوض هم ندارند. به عبارت دیگر، عقود رسمی، قراردادهایی هستند که تنظیم آنها با سند رسمی است و باید مستند به سند کتبی باشند. به عنوان یک قرارداد استخدام، قرارداد ورزشی از قبیل قراردادهایی است که باید با استناد به سند رسمی باشد.^۳

قرارداد ورزشی به سبب بند ۳ سند توافق جمعی اتحادیه فوتبال انگلیس، قراردادی است که فقط اگر به شکل کتبی و طبق فرم قرارداد ورزشی منعقد شود، اعتبار خواهد داشت. علاوه بر این، قرارداد ورزشی می بایست امضاء شده و به طرف مقابل تسلیم گردد. رعایت ترتیبات فوق برای قرارداد ورزشی ضروری بوده و برای مؤثر بودن و اعتبار آن اجتناب ناپذیر است؛ بنابراین می توان بیان نمود که قرارداد ورزشی در نظام حقوقی

۱- صالحی، امیر، پایان نامه کارشناسی ارشد، قرارداد های ورزشی در حقوق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه رضوی ص ۱۴۶، ۱۳۸۹.

۲- صدقاتی پریسا، حسین جانی ابوالفضل، الیاسی قاسم، خارکن کبری، بررسی مزایا و معایب خصوصی سازی و جذب سرمایه در ورزش سه گانه ایران. مجموعه مقالات نخستین همایش ملی ورزش سه گانه، تهران: فدراسیون ورزش سه گانه، ص ۷۳، ۱۳۸۹.

۳- پدفیلد، کولین، حقوق به زبان ساده، نشر میزان، چاپ ششم، ۱۳۹۶، ص ۵۰.

انگلیس، قراردادی رسمی یا تشریفاتی است.^۱

نتیجه گیری

با مقایسه نحوه تنظیم قرارداد ورزشی در ایران و انگلستان مشخص می گردد؛ این روند در انگلستان دارای سازوکار و نظم بهتری نسبت به ایران بوده و دلیل امر به واسطه تشکیل اتحادیه های ورزشکاران و باشگاه ها و تنظیم سند توافق جمعی بوده است که در ایران تنها در رشته فوتبال این چنین است. با تغییر نگرش به ورزش از ابزاری جهت تفریح و دستیابی به سلامتی، به صنعت و حرفه ای سودآور؛ ضرورت وضع قواعد و مقرراتی که حد و مرز آن را معین و روابط اشخاص را بر طبق آن سر و سامان دهد، احساس می شد؛ تا اینکه مجامع ورزشی با جدی شدن بحث ورزش حرفه ای، با وضع قواعد و مقررات گوناگون، ورزش حرفه ای را نظم بخشیدند. در حیطه حقوق ورزشی اصلی ترین بحث، آشنایی با مقررات و قوانین مورد عمل ورزشکاران می باشد.

بسیاری از قراردادهای ورزشی ماهیت قانونی مشابه قانون کار دارند. ورزشکاری که با یک سازمان برای مدت معین قرارداد می بندد؛ ممکن است کارمند باشد. بنابراین ورزشکاری که با باشگاهی قرارداد ببندد و خود را متعهد به باشگاه کند، کارگر محسوب می شود. لازم به ذکر است که این یک نظریه است و گروهی بر این باورند که ارتباط ورزشکاران و سایر اشخاص موضوع حقوق ورزش با سازمان ها و باشگاه های ورزشی یک ارتباط کارگر و کارفرمایی است و برخی دیگر این رابطه را طبق عقد اجاره اشخاص برآورد می کنند. در نتیجه مسئولیت، زمانی شکل می گیرد که میان طرفین، قرارداد موجود باشد و هر یک از آنها در صورت نقض قرارداد و عدم اجرای مفاد قرارداد ملزم به جبران خسارتی می باشد که وارد کرده اند. قراردادهای ورزشی از هر دو جنبه یعنی هم عقد اجاره اشخاص و نیز قرارداد کار قابل بررسی و مشاهده می باشند. بنابراین با توجه به توضیحات فوق می توان گفت که ماهیت حقوقی قرارداد ورزشی تابع قرارداد خصوصی است و با تعیین این ماهیت، چالش هایی که در عقود مشابه وجود داشته، در این مورد راه پیدا نخواهد کرد؛ زیرا قرارداد خصوصی معنایی گسترده داشته و همه موارد مورد بحث در قرارداد ورزشی را در بر می گیرد. همچنین با اینکه محدودیت هایی دارد (نظیر: عدم مخالفت آنها با نظم عمومی و اخلاق حسنه) اما تأثیر منفی بر قرارداد ورزشی نمی گذارد؛ بلکه باعث قوام آن می شود.

با بررسی ارکان قرارداد ورزشی و مقایسه آن با سایر عقود مشابه، می توان ماهیت حقوقی قرارداد ورزشی را تعیین نمود. قرارداد ورزشی طرفین قرارداد را بازیکن و باشگاه می

۱- Walter, T. Champion, Jr, 2022, Sports Law in a Nutshell, Publisher West Academic Publishing, Imprint West Academic Press, Publication City/Country Minnesota, United States. 6th Revised edition. P15.

داند و تعهد بازیکن به انجام توانایی و تکنیک، مهارت، نیروی بدنی و ذهنی در تمرینات و مسابقات است و باشگاه نیز تعهد به واریز دستمزد برای موضوع قرارداد منعقد شده دارد. عقود مشابهی که با قرارداد ورزشی قابلیت مقایسه دارند

بنابراین از لحاظ مقررات موجود در دو قرارداد می توان بیان نمود؛ آیین نامه های فدراسیون ها، اکثر مقررات حاکم بر قرارداد انتقال بازیکن می باشد. در صورتی که قوانین عادی بر اجاره اشخاص حاکم است. بنابراین به نظر می رسد با دقت به امری بودن قسمتی از مقررات قرارداد انتقال بازیکن و اینکه وجوه افتراق بسیار زیاد این قراردادها با قرارداد اجاره، نمی توان ادعا نمود که ماهیت این قرارداد، عقد اجاره اشخاص است. بر این اساس راهی جز این نداریم که بگوییم ماهیت این قراردادها را قرارداد خصوصی ماده ۱۰ قانون مدنی بدانیم که تابع آثار و احکام مخصوص به خود می باشد.

از شباهت ها و تفاوت هایی که از مقایسه قرارداد کار و قرارداد ورزشی و مقررات قوانین و حاکم بر آنها وجود دارد؛ می توان استنباط نمود که ملاک تشخیص قرارداد اجاره اشخاص از قرارداد کار تبعیت حقوقی کارگر از کارفرما می باشد. از حیث نقاط افتراق، در قرارداد کار قوانین عادی عمدتاً قوانین و مقرراتی هستند که توسط قانونگذار وضع می شوند از جمله این قوانین می توان به قانون کار ۱۳۶۹؛ که از مهمترین منابع حقوق کار در ایران است اشاره نمود، با این حال، قوانین حاکم بر سازمان های ورزشی اغلب آیین نامه هایی هستند که توسط فدراسیون های ورزشی تهیه و تصویب می شوند. حتی در قرارداد کار، کارفرما یک شخصی حقیقی یا حقوقی است، اما در قرارداد ورزشی همیشه کارفرما شخص حقوقی است. در نتیجه هدف اصلی قانونگذار از تصویب قوانین کار حمایت از قشر کارگر در برابر کارفرمایان است؛ در صورتی که هدف از تصویب مقررات و قوانین ورزشی، اعم از آیین نامه های نقل و انتقالات و انضباطی، استقرار انضباط و نظم میان بازیکنان و باشگاه ها می باشد. به این جهت، پذیرش حمایتی بودن این مقررات با دشواری همراه است.

از آنچه که در خصوص قراردادهای ورزشی در ایران بیان گردید؛ استنباط می گردد که قراردادهای ورزشی مرسوم در ایران از جمله عقود الحاقی (استاندارد) به شمار می روند؛ زیرا اولاً همانند عقود الحاقی متنی از پیش تنظیم شده هستند که به طرف مقابل ارائه می شوند و متضمن موضوعاتی مثل حقوق و تکالیف، دستمزد، مدت و... می باشند. ثانیاً نمی توانند در مندرجات و شروط قرارداد ورزشی توسط طرفین قرارداد تغییری ایجاد کرد. در سیستم حقوقی انگلستان، روابط ورزشکاران در ورزش های حرفه ای بر اساس توجه و ملاحظات قوانین کار تدوین شده است به صورت کلی ورزشکاری که با یک سازمان خاص در مدت زمان معین و جهت انجام مجموعه ای از فعالیتها قرارداد امضاء میکند در زمره کارگران قرار می گیرد.

۱. ایبنسون، متیو، مدیریت باشگاه ورزشی، ترجمه رحیم رضانی نژاد، مهدی آزادان و مالک آزادان، نشر علم و حرکت، تهران، ۱۳۹۲.
۲. انیسی، محمد علی، مسئولیت مدنی و حقوق ورزشی، چاپ اول، تهران، انتشارات جاودانه جنگل، ۱۳۹۴.
۳. ایزدی، علیرضا، توصیف عوامل مؤثر بر جذب اسپانسر شیب شرکت های اسپانسر فوتبال حرفه ای ایران، پایان نامه انتشار نیافته کارشناسی ارشد، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تربیت معلم تهران، ۱۳۸۴.
۴. پدیلد، کولین، حقوق به زبان ساده، نشر میزان، چاپ ششم، ۱۳۹۶.
۵. توکلی فر، اکبر، ماهیت حقوقی قراردادهای ورزشی در حقوق ایران با تاکید بر رویه قضایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان، ۱۳۹۲.
۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، فلسفه حقوق مدنی، انتشارات مجد، چاپ ۳، ۱۳۹۸.
۷. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، چاپ ۳۵، ۱۴۰۰.
۸. حسینی عاملی، سید محمد جواد، مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامه، بیروت، دار التراث، کتاب الاجاره، ج ۱۱.
۹. حسینی، احمد، ماهیت و آثار حقوقی قراردادهای میان ورزشکار و باشگاه ورزشی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه قم، ۱۳۸۷.
۱۰. خبیری، محمد؛ الهی، علیرضا، مقایسه وضعیت باشگاه های لیگ حرفه ای فوتبال جمهوری اسلامی ایران با توجه به معیارهای یوفا و باشگاه های منتخب ژاپن، کره جنوبی، امارات و ترکیه. نشریه پژوهش در علوم ورزشی، شماره ۸، ۱۳۸۴.
۱۱. راجر جکسون، پالم ریچارد، راهنمای مدیریت ورزشی. مترجمان: خبیری محمد، سجادی سیدنصراله، صدیق سروستانی رحمت اله، عزیزی محمد، گایینی عباسعلی، نوابی نژاد شکوه. چاپ سوم. تهران: انتشارات کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۹۲.
۱۲. رادی، جواد؛ صابونچی، رضا؛ مرادی، محمدرضا، نقش عوامل اقتصادی در جذب سرمایه گذاری خارجی در صنعت فوتبال ایران، مجموعه مقالات همایش بین المللی علم و فوتبال، تهران، ۱۳۸۸.
۱۳. رضوی، سیدمحمدحسین، تحلیل سیاست خصوصی سازی در ورزش کشور با تاکید بر ورزش قهرمانی، رساله دکتری مدیریت و برنامه ریزی در ورزش، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
۱۴. روبن آگوستا هرناندز، مدیریت سازمان های ورزشی، ترجمه علیرضا الهی و اسفندیار خسروی زاده، تهران، انتشارات بامداد کتاب، چاپ سوم، ۱۳۸۴.
۱۵. سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه، روش های تحقیق در علوم رفتاری. تهران، انتشارات آگاه، چاپ ۴۱، ۱۴۰۱.
۱۶. شعبانی مقدم، کیوان، مبانی حقوق ورزشی، انتشارات نشر دانش، چاپ دوم، ۱۳۹۸.

۱۷. شیروی، عبدالحسین، حقوق قراردادها (انعقاد، آثار و انحلال)، انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۹۶.
۱۸. صالحی، امیر، پایان نامه کارشناسی ارشد رو، قرارداد های ورزشی در حقوق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه رضوی، ۱۳۸۹.
۱۹. صداقتی پریسا، حسین جانی ابوالفضل، الیاسی قاسم، خارکن کبری، بررسی مزایا و معایب خصوصی سازی و جذب سرمایه در ورزش سهگانه ایران. مجموعه مقالات نخستین همایش ملی ورزش سه گانه، تهران: فدراسیون ورزش سه گانه، ۱۳۸۹.
۲۰. صفایی، حسین، قواعد عمومی قراردادها (حقوق مدنی جلد دوم) ، نشر میزان، چاپ ۳۷، ۱۴۰۱.
۲۱. طباطبایی یزدی، محمد کاظم، العروة الوثقی، جلد دوم، تهران، انتشارات علی بن ابی طالب، چاپ سوم، ج ۲، ۱۳۹۰.
۲۲. عراقی، عزت الله، حقوق کار، انتشارات سمت، چاپ ۲۲، ۱۳۹۹.
۲۳. کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی: اعمال حقوقی قرارداد، ایقاع، انتشارات گنج دانش، چاپ هشتم، ۱۴۰۰.
۲۴. کاتوزیان، ناصر، الزام های خارج از قرارداد مسئولیت مدنی، انتشارات گنج دانش، چاپ چهارم، ۱۴۰۱.
۲۵. کمالی، سعیده، بررسی ماهیت و موانع و مزایای ثبت قراردادهای ورزشی به صورت رسمی و عادی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد قزوین. ۱۳۹۵.
۲۶. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۲۷
۲۷. الهی، علیرضا، بررسی عملکرد سازمان لیگ حرفه ای فوتبال جمهوری اسلامی ایران و مقایسه آن با سازمان لیگ ژاپن، پایان نامه کارشناسی ارشد تربیت بدنی، دانشکده تربیت بدنی، دانشگاه تهران. ۱۳۸۳.
۲۸. الهی، علیرضا؛ گودرزی، محمود؛ خبیری، محمد، بررسی عملکرد سازمان لیگ حرفه ای فوتبال جمهوری اسلامی ایران و مقایسه آن با سازمان لیگ حرفه ای فوتبال ژاپن، نشریه حرکت، سال ۱۳۵۸.
۲۹. یوسفی صادقلو، نصر، رجیبی، الهام، مسئولیت مدنی در حقوق ورزشی، انتشارات دادگستری، سال ۱۴۰۰.
30. Arthur, D., Scott, D., & Woods, T. "A conceptual model of the corporate decision making process of sport sponsorship acquisition". Journal of sport Management, 1(3), PP:223-233. (1997)
31. Harpwood Vivienne, Modern Tort Law, London, 8th, ed. cavendishpublishing limited, 2019.
32. Menz A, Skene D Betting market and the roles of private enterprise in combating match-fixing. In: Steele S, Opie H (eds)

Match-fixing in sport comparative studies from Australia, Japan, Korea and Beyond, 1st edn. Routledge, Oxon, New York, pp8-19 (2018)

33. Palermo G, Williams B, Match-fixing and the evolution of CAS Jurisprudence. CAS Bull (2018)

34. Stark Boris, Droit civil - Les Obligations, tome 1 : Liability in tort, 5th edition (old edition) Paperback – July 4, 1996

35. Walter, T. Champion, Jr, Sports Law in a Nutshell, Publisher West Academic Publishing, Imprint West Academic Press, Publication City/Country Minnesota, United States. 6th Revised edition, 2022

